

هوالبهی - ای بندۀ حقّ صبح هدی چون از افق اعلیٰ طلوع...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۴۳

هوالبهی

ای بندۀ حقّ صبح هدی چون از افق اعلیٰ طلوع نمود پرتوش بشارت کبری بود و مرده اش ظهور جمال ابهی و در احسن القصص قیوم اسما واضح من دون خفا در جمیع بیان جمیع امور منتهی به این ذکر ابداع احلی انّ یوم القيامة من اول ما یطلع شمس البهآء الی ان یغرب و ایّاک ایّاک ان تحتجب بالواحد البیانیه و ایّاک ایّاک ان تحتجب بما نزل فی البیان. و از جمله واحد بیان خود آن حضرت است، هیجده حروف حیّ و نوزدهم خود حضرت است و یکی از حروف حیّ حضرت قدّوس است که میفرماید سیزده واحد مرآت در ظلّ اوست. پس به محتجبین بفرما که حضرت اعلیٰ با وجود این که میفرماید زنهار زنهار محتجب از آن جمال کبریا به توجه به من مگرد و یا به آنچه که در بیان نازل شده با وجود این ای بیهوشان از هر طرفی فریادی برآرید. یکی گوید این ظهور من یظهره الله و دیگری گوید این قصور من یظهره الله دیگری فرماید این مکتب دروس من یظهره الله و دیگری گوید این مهد نشور من یظهره الله.

و همچنین نفحات قدس احمدی شطر بطحا و یثرب را معطر نمود و نسیم جانپرور تعالیم الهی جزیره العرب را معرض بهار روحانی کرد علمای مسیحیین متشبّث به ظواهر کتاب مبین گشتند و از اشراق آفتاب علیین محروم ماندند زیرا به نصوص قاطعه ظاهره انجیل جلیل بشارتی بعد از حضرت مسیح نخواهد بود، کشیشان و قسّیسان به این عبارات متمسک شدند و از نور یقین که از افق مبین ساطع و لامع بود محتجب



ORIGINAL



AUDIO

ماندند. خلاصه جمیع ملل در یوم ظهور نور رحمن متمسک به ظواهر آیات کتاب گشتند و از فیض یزدان خود را بی بهره و نصیب نمودند این سهل است اکثر علما از کتب استنباط فتوی بر قتل سلاطین وجود و انوار غیب و شهود نمودند. اما آن ملل اگر محتجب از ملیک آفاق گشتند چندان جای تعجب نبود زیرا وصایای صریح و واضح در کتب و نصایح مکمل در صحف مثل بیان نبوده. اما حضرت اعلی روحی له الفدا از برای نفسی محل توقف نگذاشتند بکلی پرده برداشتند و به صریح عبارت در جمیع بیان فرمودند که مقصد از جمیع الواح و زیر آن نیر اعظم است زینهار به صریح کتاب و تأویل خطاب و اشارات آیات محتجب از آن نیر آفاق نگردید.

آیا چنین وصایا و نصایحی در تورا و انجیل یا فرقان جلیل موجود؟ لا والله. این مختص به این ظهور اعظم است که صبح هدی جمال اعلی روحی له الفدا کشف غطا فرمودند و سبیل هدی در نهایت وضوح و صفا نمودند. و از این گذشته بعد از شهادت آن سر وجود و مقام محمود این قوم عنود کجا بودند؟ هریک در زاویه خذلان ابدی خزیده و رو را از یار و اغیار پوشیده در نهایت خوف و هراس مخفی از جمیع ناس بودند تا آنکه آن جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحیائه الفدا امر الله را بلند فرمودند. آن وقت این ماران و موران از حفره خفا بدر آمده جولان نمودند ولی ایامی نگذشت مگر آن که فساد کردند و علم عناد بلند نمودند و خود را به حفره عذاب انداختند لا تسمع لهم ذکراً و لا همساً. این وقایع اخیر را ملاحظه نما وقتی که این آوارگان در زیر تهدید شمشیر بودند سلطان الشهداء و محبوب الشهداء روحی لهم الفدا و همچنین سائر شهدا به مقام شهادت کبری فائز گشتند شهداء یزد را پاره پاره نمودند و شهیدان خراسان را سوختند و رماد اجسادشان را به باد دادند و هم چنین در شیراز و سائر جهات، رئیس این قوم عنود در منابر اصفهان و طهران به صریح عبارت تبری از حضرت اعلی مینمود، آیا این را هم میتوان پنهان کرد؟ داستان اصفهان و طهران شده بود حال که ملاحظه مینماید که آوازه امر الله شرق و غرب را به حرکت آورده و صیت اسم اعظم جنوب و شمال را احاطه کرده قوه کلمه الله قوآت عالم را به زلزله انداخته و ندای الهی جهان انسانی را به بشارات روحانی حیات بخشیده دوباره از حفره خمودت بیرون آمده عربدهای مینماید و اظهار وجود میکند که ما اهل بیانیم و اساس این بنیان. هیات هیات سنینی چند قبل از این کجا بودند، کدام یک از اینها در سبیل رب اعلی جام بلا نوشید یا زحمتی کشید؟ جز تبری و بیزاری ابداً چیزی صادر و ظاهر نشد و به غیر از فسق و فجور بروز و ظهوری نگشت. حال نیز اگر امتحانی به میان آید و الله الذی لا اله الا هو فوراً ملاحظه نمائید که بر فراز منبر برآیند و ندای نحن بریئون بلند نمایند بلکه لعن و طعن فرمایند.

ای جناب یک سؤال صواب از این نفوس بنما و بگو ای اهل انصاف بالله بعد از سفک خون مطهر حضرت اعلی این میرزایحیی چه کرد جز آن که دمامم به فکر عروسی افتاد و هر روز حرمی در بر گرفت حتی تجاوز به حرم محترم نمود که ام المؤمنین بود و به نص جمیع شرایع الهی این بی حرمتی قطعاً

جایز نه. با وجود این ابداً مراعات ظاهری نیز نمود خود تصرف نمود و به این کفایت نکرد به دیگری بخشید، جز این فعل فطری چه نصرتی در امر الله نمود؟ کدام نفسی را تبلیغ کرد و کدام مسئله را تشریح نمود و در چه موقعی به جانفشانی برخاست، و در چه موردی نفس رحمانی اظهار کرد؟

این خواص اتباع اوست که ملاحظه مینمائید حتی از آداب ظاهری محرومند یکی پرستان است و دیگری اندلف در کلیسای رومیان. این چه بلاهت است و این چه حماقت این چه غفلت است و این چه جهالت. **يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ.** و همچنین میفرماید **يَدْعُوا مَنْ ضَرَّهُ اقْرَبَ مِنْ نَفْعِهِ لِبئْسَ المولى و لبئسَ العشير و انَّ يضره و ما لا ينفعه ذلك هو الضلال البعيد يدعوا لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى و لبئس العشير و انَّ هذا هو الحقّ اليتي.** ملاحظه نمائید که شهاب ثاقب میثاق چگونه به قلب آفاق زد و چه اشراقی از ملکوت غیب در صفحات سقلاب و افلاق افتاد، شرق منور نما غرب معطر نما نور به سقلاب ده روح به افلاق بخش. با وجود این این منکران مانند خفاشان در زاویهٔ نحول خویش خزیده انکار آفتاب کنند. **فنعمة ما قال فهبني قلت هذا الصبح ليل أيعمى الناظرون عن الضياء؟ لا والله. فسوف تسمع نغمات هذا الصور و نقرات هذا الناقر من الملاء الاعلى فسبحان ربّي الابهي و عليك التحيّة و الثناء.**

